

آب‌های سطحی این دریا.

۴- مشارکت فعال تر با ایران در راستای اشاعه تجارت بلندمدت از آسیا به اروپا و ایجاد یک کریدور حمل‌ونقل برای رقابت با کانال سوئز.

منافع ایران نیز در ارتباط با روسیه عبارتند از:

۱- توسعه ظرفیت‌های تولید نفت و گاز و همچنین میدان‌های گازی دریایی از جمله میدان گازی پارس جنوبی در خلیج فارس به جهت از دست ندادن سهم بازار روسیه و دیگر تولیدکنندگان غیروپک.

۲- گسترش لوله‌های گازی جدید از ترکیه، منطقه بالکان و اروپای مرکزی و شرقی.

۳- تضمین سهم بیشتر از منابع نفت و گاز دریای خزر و مقابله با هژمونی روسیه بر آب‌های سطحی آن.

۴- تبدیل شدن به مسیر مهم انتقال نفت و گاز میان کشورهای منطقه خزر و کشورهای مصرف کننده آسیا-پاسفیک.

روابط ایران و روسیه در زمینه انرژی تکامل و دربرگیری رقابت، همپوشانی و اشتراک است که با ملاحظه‌های خاص استراتژیک و ژئوپلیتیک هر دو طرف می‌توانند از آن به نفع خود سود برند.



روسیه و ایران با دارا بودن تقریبی ۲۰ و ۵۰ درصد منابع اثبات شده نفت و گاز جهان، در صدد تنظیم سیاست‌های تولید و صادرات خود هستند که به طور بالقوه بر قیمت و عرضه این منابع در سطح جهانی تأثیر می‌گذارد. با توجه به دغدغه‌های امنیت عرضه انرژی در میان کشورهای وارد کننده انرژی این موضوع مورد توجه قرار گرفته است. همکاری در زمینه انرژی توسط دو کشور با آگاهی روبه رشد بین‌المللی از ذخایر عظیم هیدروکربنی دو کشور مصادف شده است. یکی از ویژگی‌های تعامل روسیه با ایران در زمینه انرژی، گسترش منافع این کشور در دو منطقه ژئوپلیتیک خاورمیانه و دریای خزر است که ایران در این مناطق واقع شده است

هر دو کشور از تولیدکنندگان و صادرکنندگان عمده نفت جهان هستند اما دارای اهداف و موقعیت‌های و اگر می‌باشند. روسیه عضو اوپک نیست و به این ترتیب از دو سو نفع می‌برد: یکی اینکه محدود به سقف تولید معینی نیست و دیگر اینکه از ثبات قیمتی تعیین شده اوپک، ذی نفع است اما ایران از سویی با نیاز مبرم برای تولید بیشتر نفت، نه تنها به علل اقتصادی بلکه با علل فنی و تکنیکی روبه‌رو است. بزرگ‌ترین کمپانی‌های نفتی روسیه مانند لوكويل، یوکوس، سلاو نفت، تات نفت و زاروبژنفت به مشارکت در صنایع نفت ایران علاقه‌مند هستند.

با این وجود در حوزه انرژی، گسل‌ها بیش از جاذبه هاست به این معنا که ایران چندان راغب نیست تا خلأ ناشی از عدم حضور شرکت‌های بزرگ نفتی آمریکایی را که دارای تکنولوژی و توان سرمایه‌گذاری بسیار بالایی هستند به راحتی با شرکت‌های نفت و گاز روسی همچون لوک اوایل، گاز پروس، ماشینوایمپورت و استروس ترانس گاز پر کنند. در خصوص دیپلماسی خط لوله نیز، تهران و مسکو دورقیب جدی برای انتقال نفت و گاز جمهوری‌های قفقاز و آسیای مرکزی همچون قزاقستان، ترکمنستان و ارمنستان به‌شمار می‌روند. با توجه به صرفه اقتصادی بالای مسیر ترانزیتی ایران، روسیه همچنان سایه سنگین خود را بر حوزه‌های نفت و گاز

دلار مبادلات بازرگانی با کشورهای مختلف داشته است. از این رقم ۴۴۹ میلیارد و ۱۱۵ میلیون دلار را صادرات روسیه و ۲۳۸ میلیارد و ۱۵۱ میلیون دلار واردات این کشور را به خود اختصاص داده است تا در مجموع تراز تجاری روسیه مثبت باشد. مبادلات بازرگانی ایران و روسیه تنها ۰.۳ درصد مبادلات بازرگانی خارجی بزرگ‌ترین کشور جهان را تشکیل می‌دهد که با ما از طریق دریای خزر مرز دریایی دارد و نسبت به روابط گسترده سیاسی، امنیتی و اقتصادی دو کشور، رقمی ناچیز به حساب می‌آید.

بر اساس گزارش سازمان گمرک روسیه، ایران با روسیه در سال ۲۰۱۸ یک میلیارد و ۷۴۰ میلیون دلار مبادلات بازرگانی داشته که یک میلیارد و ۲۰۷ میلیون دلار آن را صادرات به ایران و ۵۳۳ میلیون دلار را واردات از ایران شامل می‌شود. این در حالی است که در سال ۲۰۱۷ ایران و روسیه یک میلیارد و ۷۰۷ میلیون دلار مبادلات بازرگانی داشته و صادرات کالاهای روسیه به ایران یک میلیارد و ۳۱۴ میلیون دلار و واردات از ایران ۳۹۲.۲ میلیون دلار بوده است. دیگر همسایه روسیه یعنی چین‌ها که بازار جهان را قبضه کرده‌اند، در سال ۲۰۱۸ توانسته بیشترین مبادله بازرگانی با روسیه را به خود اختصاص دهد. حجم مبادلات این دو کشور به ۱۰۸ میلیارد و ۲۸۳ میلیون دلار رسیده است. اتحادیه اروپا که به‌صورت سنتی شریک نخست روسیه به حساب می‌آید، در مجموع ۲۹۴ میلیارد و ۱۶۶ میلیون دلار مبادله با مسکو در سال ۲۰۱۸ داشته است. از این رقم ۲۰۴ میلیارد و ۸۹۷ میلیون دلار صادرات روسیه به کشورهای اروپایی و ۸۹ میلیارد و ۲۶۹ میلیون دلار واردات کالا از کشورهای این اتحادیه بوده است.

در سال ۲۰۲۰ میلادی تحول جدی در تعاملات تجاری ایران و روسیه به وقوع پیوسته است و با وجود همه‌گیری کرونا و اعمال تحریم‌های ظالمانه و فشار حداکثری به ایران، میزان صادرات ایران به روسیه به ۸۰۰ میلیون دلار در سال رسیده که یک رکورد بی‌سابقه در تاریخ تعاملات اقتصادی بین دو کشور است. طبق آمار اعلام شده از سوی گمرک روسیه، صادرات ایران به این کشور در سال ۲۰۲۰ به یکباره از عدد ۳۹۰ میلیون دلار در سال ۲۰۱۹ با رشدی حدود ۱۰۵ درصدی مواجه شده است. افزایش صادرات ایران به روسیه در حالی اتفاق افتاد که تحت تأثیر تشدید تحریم‌های امریکا رقم صادرات نفت ایران به کمتر از ۳۰۰ هزار بشکه در سال ۲۰۲۰ رسیده بود.

بر اساس آمارهای گمرک جمهوری اسلامی ایران، تجارت ایران و روسیه در شش ماهه اول سال ۱۴۰۰، میزان صادرات ۲۷۰ میلیون و میزان واردات از روسیه ۶۳۷ میلیون دلار است. حجم تجارت ایران و روسیه در شش ماهه اول سال ۱۴۰۰، ۹۰۷ میلیون دلار بوده است.

■ فرصت‌ها و چالش‌های ایران و روسیه

۱) فرصت‌ها و چالش‌های روابط دوجانبه

الف) بخش انرژی

روسیه و ایران با دارا بودن تقریبی ۲۰ و ۵۰ درصد منابع اثبات شده نفت و گاز جهان، در صدد تنظیم سیاست‌های تولید و صادرات خود هستند که به‌طور بالقوه بر قیمت و عرضه این منابع در سطح جهانی تأثیر می‌گذارد. با توجه به دغدغه‌های امنیت عرضه انرژی در میان کشورهای وارد کننده انرژی این موضوع مورد توجه قرار گرفته است. همکاری در زمینه انرژی توسط دو کشور با آگاهی روبه رشد بین‌المللی از ذخایر عظیم هیدروکربنی دو کشور مصادف شده است. یکی از ویژگی‌های تعامل روسیه با ایران در زمینه انرژی، گسترش منافع این کشور در دو منطقه ژئوپلیتیک خاورمیانه و دریای خزر است که ایران در این مناطق واقع شده است.

منافع روسیه در بخش انرژی در ارتباط با ایران عبارتند از:

۱- تضمین محصولات صادراتی در جهت توسعه ظرفیت‌های گاز و نفت روسیه که به توسعه یک صنعت ال.ان.جی نظارت بر فعالیت‌های اوپک در راستای حفظ ثبات قیمت‌ها و اینکه ایران یکی از اعضای مهم این سازمان است. ۳- تلاش در جهت ترغیب ایران برای پذیرش موقعیت روسیه در تعیین حدود دریای خزر و پذیرش دستیابی مشترک به

این مناطق و انتقال آن به بازار مصر حفظ کرده است. ایران در این زمینه تنها موفق شده است تا در چهارچوب عملیات سوپ از سال ۲۰۰۳، روزانه ۱۲۰ هزار بشکه نفت را از دو جمهوری قزاقستان و ترکمنستان دریافت و در شهرهای شمالی خود مصرف کرده و ما به اژه آن را در جنوب کشور در اختیار خریداران قرار دهد.

ب) بخش حمل‌ونقل و ارتباطات:

بخش عمده صادرات روسیه به ایران ابتدا از طریق راه‌آهن تا آستاراخان و سپس از طریق دریای خزر تا ساحل ایران حمل می‌شود. کالاهای ایرانی نیز به وسیله کشتی تا مآخاج قلعه و سپس با قطار به بخش مرکزی روسیه انتقال داده می‌شود. اکنون حمل‌کالا از راه‌آهن فقط از ایستگاه مرزی ۷ سرخس و از طریق ترکمنستان ممکن است. به علت عرض متفاوت راه‌آهن روسیه و ایران در این ایستگاه، دستگاه تعویض چرخ نصب شده است که می‌تواند روزی ۲۰۰ واگن سرویس دهد. موضوع اصلی در حمل‌ونقل میان دو کشور اکنون کریدور حمل‌ونقل شمال-جنوب است. این مسیر قرار است حمل‌ونقل کالا از اروپا از طریق خاک روسیه و ایران به آسیای جنوبی و جنوب شرقی و بالعکس را تأمین کند. توسعه راه‌های این کریدور اجازه خواهد داد سالی ۱۰ میلیون تن بار یعنی چهار برابر بیش از سطح کنونی از خاک ایران عبور کند. توسعه کریدور حمل‌ونقل شمال - جنوب ناظر به ایجاد خط کشتیرانی در دریای خزر و توسعه بنادر دو کشور، ساخت بزرگراه اتومبیلی دور دریای خزر و توسعه خطوط راه‌آهن کشورهای عضو است. برای روسیه مناسب‌تر است که تبادل کالا با هند را از طریق ایران انجام دهد تا از طریق مسیر طولانی دریایی به دور آفریقا یا از طریق کانال سوئز تا سن پترزبورگ.

ج) همکاری در زمینه انرژی هسته‌ای

در شرایط عدم همکاری شرکت‌های غربی و مخالفت امریکا و اروپا با ادامه کار نیروگاه هسته‌ای بوشهر و در پرتو دگرگونی در سیاست خارجی روسیه، قرارداد اتمام پروژه نیروگاه هسته‌ای بوشهر میان دو کشور به امضا رسید. این قرارداد ۷۰۰ میلیون دلاری که در سال ۱۹۹۵ میان دو کشور بسته شد، شرایط مناسبی را برای فعالیت‌های اقتصادی در روسیه به همراه آورد. این اقدام در روسیه با مخالفت‌های جدی مواجه شد. مخالفان، این همکاری را با منافع روسیه در مغایرت می‌دانستند و کمک به ایران در این زمینه را تهدیدی برای روسیه برآورد می‌کردند ولی موافقان بر تحت کنترل بودن برنامه هسته‌ای ایران از سوی آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای IAEA تأکید داشتند. همکاری در این زمینه نه تنها مزایای اقتصادی بلکه سیاسی-امنیتی نیز در برداشته که اوراسیابرایان بر آن تمرکز داشته‌اند. برای روسیه این همکاری فرصتی بوده تا از همکاری با آژانس در زمینه ارتقای کنترل‌های ایمنی در این فعالیت‌ها بهره گیرد. همکاری در عرصه حساس هسته‌ای تحت تأثیر نه تنها عوامل اقتصادی بلکه عوامل سیاسی و استراتژیک قرار دارد. از اینجا معلوم می‌شود که برای تعیین دورنمای این همکاری باید توسعه اوضاع سیاسی و راهبردی منطقه‌ای و جهانی را در نظر داشت. از زاویه دید حقوق بین‌المللی و قوانین روسیه، همکاری هسته‌ای دو کشور تماماً جوابگوی روح و نص قرارداد عدم اشاعه سلاح هسته‌ای، اساسنامه ماگاته و قواعد صادراتی گروه صادرکنندگان هسته‌ای است.

د) همکاری‌های نظامی

در نظام بین‌المللی فاقد سلسله مراتب قانونی و نهادهای مشروع تضمین کننده امنیت بین‌المللی که بنابر دیدگاه واقع‌گرایان، نوعی هرج و مرج بر آن حاکم است، هر دولتی در درجه نخست مجبور است که به دنبال افزایش قدرت و توانمندی‌های نظامی خود باشد و نوعی سیاست دفاعی خوداتکا را دنبال کند زیرا مقوله بقا و امنیت ملی چیزی نیست که بتوان آن را به سادگی در گرو کشورهای دیگر قرار داد. از این جهت تأمین تکنولوژی و تسلیحات از منابعی که در دسترس قرار دارد به امری ضروری برای بازدارندگی دشمن و در صورت وقوع جنگ، سرکوب آن تبدیل خواهد شد.



ویژه‌نامه سفر رئیس‌جمهور به روسیه □ دی‌ماه ۱۴۰۰